



نام ذی الحجه نامی آشناست و به دنبال ورود این ماه ندای لیک اللهم لیک به گوش جان می رسد، برای گوش ها و دل ها مفاهمی چند همانند طواف، سعی صفا و مروه، صحرائ عرفات، تقصیر، منی و قربانی آشناست. اما نام قربانی عجیب با دل های عاشقان باری می کند، به راستی ذبح عظیم که در قرآن آمده و بر ابراهیم وارد شد، چیست؟ آیا گوسفند است؟ ولی گوسفند آن قدر نباید ارزش داشته باشد، که آن را ذبح عظیم، از آن هم از لسان قرآن، بگویند: فدیناه بذبح عظیم.

پس حقیقتی دیگر پشت این پرده نهفته است و لذا در همین راستا زانویی ادب در محضر ائمه زمین می زینم، تا آن ها که تالی و ترجمان کتاب الله هستند، این حقیقت را پرده برداری کنند.

از حضرت رضا صلوات الله علیه روایت است که: چون خداوند به ابراهیم (ع) امر نمود، گوسفند را به جای اسماعیل ذبح کند، ابراهیم (ع) تمنا کرد که ای کاش گوسفند پیامده بود و فرزندش را به دست خود ذبح می نمود تا این که دلش شکسته شد و به درجه رفیع صبر و صفا فائق گردید، سپس به ابراهیم (ع) وحی شد که نزد تو چه کسی محبوب ترین خلق است؟ عرض کرد: حبیب تو محمد (ص).

وحی رسید که آیا او احب است به نزد تو یا نفست؟ عرض کرد: بلکه او احب است به سوی من از نفسم، فرمود: آیا فرزند او را بیشتر دوست می داری یا فرزند خود را؟

عرض کرد: فرزند او را.

فرمود: آیا متذبح شدن فرزند او به تیغ ستم دشمنان بیشتر دلت را می سوزاند یا ذبح فرزند به دست خودت در راه اطاعت من؟

عرض کرد: ذبح فرزند او به دست دشمنان بیشتر دلم را می سوزاند. فرمود: ای ابراهیم جمعی هر آینه خواهند کشت فرزند خاتم الانبیا (ص)، حسین صلوات الله علیه را به ظلم و عدوان و به این عمل مستحق غضب و سخط من می شوند. پس ابراهیم جزع نمود و دلش شکست و گریست، وحی شد که ای ابراهیم فد نمودم جزع تو را بر اسماعیل به جزعت بر حسین صلوات الله علیه و واجب نمودم از برای تو درجات رفیقه اهل مصاب را و این است: فدیناه بذبح عظیم (۱) ذبیحه بزرگی را فدای او کردم (۲)

مرید پیر مغفانم ز من مرتج ای شیخ
چرا که وعده تو کردی و او به جا آورد
مرحوم درمی گوید: جواب این سؤال را در بالای
مثنوی دهم تا برای همه قابل استفاده باشد.

ایشان در فراز مثنوی از قضیه نهی آدم ابوالبشر از خوردن
گندم و داستان نان جوین خوردن امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه را در تمام مدت درازای عمر بیان می نماید
و حتی این که آن حضرت در تمام مدت عمر ابدان گندم
نخورده و از نان جوین سیر نشد و سپس می گوید:

مراد از شیخ در این بیت حضرت آدم علی نبینا و
آله و علیه السلام است که وعده نخوردن از شجره
گندم را در بهشت داد ولی به آن وفا نکرد و از امر
خداوند سرپیچی نمود و گندم را تناول کرد و مراد
از پیر مغفان حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
است که در تمام مدت عمر نان گندم نخورد و وعده
عدم تناول از شجره گندم را او ادا کرده و به اتمام
رساند. این مجموع تفسیر این بیت بود که وی
(مرحوم ذری) بر سر مثنوی شرح داده و مثنوی را
خاتمه داد. قبل از پایان سال، مرحوم ذری فوت
می کند و لهذا در سال بعد در دهه محرم در آن
مجلس مدعوی که باید حضور داشته باشد،
نمی تواند شرکت نماید. درست در سال بعد در دهه
محرم، در همان شبی که این جوان سؤال را از
مرحوم ذری می کند، وی را در خواب می بیند که:

مرحوم ذری به نزد او آمد و گفت: ای جوان! تو در
سال قبل چنین شبی از من معنی این بیت را
پرسیدی و من آن طور پاسخ گفتم. اما چون بدین
عالم آمده ام، معنی آن طور دیگری برای من
منکشف شده است: مراد از شیخ حضرت ابراهیم (ع)
است و مراد از پیر مغفان حضرت سیدالشهدا
صلوات الله علیه و مراد از وعده، ذبح فرزند است
که حضرت ابراهیم (ع) بدان امر خداوند وعده وفا
داد، اما حقیقت وفا را حضرت اباعبدالله الحسین
صلوات الله علیه، در کربلا به ذبح فرزندش حضرت
علی اکبر صلوات الله علیه انجام داد... (۳)

۱- سوره مبارکه صافات، آیه شریفه ۱۰۷
۲- خصائص الحسینیه مرحوم آیت الله شیخ جعفر
شوشتری، ۲۱۹، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۲، عیون
الاحیاء، ج ۱، ص ۲۰۹
۳- حافظ و پیرمغان، ص ۱۸، به نقل از روح مجرد،
علامه طهرانی.

ذبح عظیم

سید عباس موسوی مطلق

حدیث خلیل... (ع)

ای ابراهیم!...

من خدای جبار، حلیم، علام و حکیمم.
بندگانم را به علم خود تدبیر می کنم و قضا و قدر خود را در
بینشان جاری می گردانم.

بندگانم گناهکار مرا نفرین ممکن که اگر
می خواستم، خود، آن ها را نمی آفریدم
عاقل به زمان خویش بصیر است و جایگاه خود
را می شناسد...
فرزندت را برای قربانی،
خودت را در آتش و قلبت را
برای خدای رحمان قرار
دادی، ما تو را دوست و
خلیل خود برگزیدیم.
خشتی تو می گردید چیست؟ خداوند فرمود: درود و رضوانم
برای اوست.
ابراهیم پرسید جزای کسی که به او کمکی
حقیقی برساند اندک است.
من صدای داد خواهی مظلوم را رد نمی کنم
ابراهیم پرسید خدایا جزای کسی که از
ابراهیم پرسید چیست؟ خداوند فرمود: درود و رضوانم
برای اوست.
ابراهیم پرسید جزای کسی که بر اندوهها به خاطر رضای تو صبر
می کند چیست؟ خداوند فرمود: جامه ای از ایمان به او می پوشانم
که بهشت را با او به دست می آورد و از دوزخ ایمن می شود.

من خدای بخشنده مهربان هستم. گناه
بندگان به من ضرری نمی رساند همان گونه که
طاعت آن ها به من نفعی نمی رساند.
من بندگانم را به خاطر تشنگی خاطر م در بلا
دچار نمی کنم
کافرانی هستند که بلا و عذاب را از آن ها
می گردانم و برمی دارم به سبب ذریه مؤمنی
که در صلب آن هاست.

عذابی که من به بندگان گناهکار می دهم، از
آن چه تو برای گناهکاران نفرین کنی سخت تر
و بزرگ تر است. عذاب من شایسته جلال و
کبریای من است
اگر بندگانم توبه کنند و بازگردند توبه آن ها را می پذیرم و
گناهشان را می آمرزم و عیوشان را می پوشانم...
بین من و بندگانم رابطه دوستی برقرار ساز، که من از توبه آن ها
مهربانم.

ابراهیم (ع) به خداوند عرض کرد:

ذبح فرزند او به دست دشمنان بیشتر دلم را می سوزاند

فرمود: ای ابراهیم جمعی هر آینه خواهند کشت فرزند

خاتم الانبیا (ص)، حسین صلوات الله علیه را به

ابراهیم جزع نمود و دلش شکست و گریست و وحی شد

که ای ابراهیم فد نمودم جزع تو را بر اسماعیل

به جزعت بر حسین صلوات الله علیه

مرحوم علامه طهرانی نیز در کتاب روح مجرد
قضیه ای جالب را مطرح می کند. ایشان می فرمایند:
معمولاً در طهران، هر واعظی را که برای یک دهه برای
مشر رفیق در مجلسی دعوت می کردند، در شب آخر وی
را برای همان دهه از سال دیگر دعوت می نمودند. در
آخرین سال که مرحوم ذری در قید حیات بود، یک شب
از دهه محرم (شب هشتم یا نهم) جوانی از ایشان قبل از
مثنوی سؤال می کند که مراد از این شعر چیست؟



از غرور پست آسمانخراش ها بالاتر بیا
لحظه ای درنگ کن از سرعت بی دلیل اتوبان ها
خدا از گلوی ابراهیم (ع) فریاد می زند
گویا مارا صدا می زند، در عسرت آخر زمانی ما
داعی دعوتی است
گمانم هنوز ذبیح می توان/ باید بود